



## بی کیفری مجرمان و مقابله با آن در آئینه حقوق بین الملل (با تأکید بر اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی)

دکتر جمال بیگی<sup>۱</sup> - رزاق خوشیاری حاجی بابا<sup>۲</sup>

### چکیده:

رویای تأسیس و ایجاد یک نظام عدالت کیفری بین المللی کارآمد و موثر، همواره چشم امید جامعه ی جهانی را به خود معطوف داشته است. دادگاه کیفری بین المللی برای انجام رسالت خود یعنی اجرای عدالت کیفری جهت تحقق صلح جهانی، ناگزیر از داشتن ارتباط با دیگر نهادهای بین المللی است. نقش سازمان ملل متحد به عنوان متولی اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی در این میان بسیار پررنگ تر از دیگر سازمان های بین المللی است. نارضایتی افکار عمومی دنیا از بدون مجازات ماندن جنایتکاران جنگ جهانی اول سبب شد تا پس از وقوع یک جنگ جهانی دیگر، این سوال در ذهن ها تداعی شود که آیا باز هم جنایتکاران در امان خواهند ماند؟ تجربه ی تلخ جنگ و درگیری، کشتار و خونریزی در ابعاد جهانی باعث شد تا بعد از جنگ جهانی دوم جامعه ی بین المللی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی چاره‌ای اساسی بیاندیشد. در واقع می توان گفت که تجارب حاصله از این جنگ ها، جامعه‌ی بین-المللی را تکان داد و این فکر را به وجود آورد که باید تدابیر اساسی و کارآمد برای مجازات جنایتکاران جنگ اتخاذ شود تا بدین وسیله از تکرار جنایات دهشت بار و حتی بروز جنگ، جلوگیری شود. لذا دادگاه کیفری بین المللی با این هدف تأسیس شده که تعقیب مؤثر مرتکبان جنایات سنگین حقوق بشری میسر و به بی کیفری آن ها پایان داده شود. این مقاله درصدد آن است تا ضمن تبیین پدیده ی بی کیفری و موانع آن در نظام حقوق بین الملل، نقش و اقدامات دادگاه کیفری بین المللی را در مقابله با بی کیفری مجرمان تشریح نماید.

واژه های کلیدی: بی کیفری، دادگاه کیفری بین المللی، اساسنامه رم.

<sup>1</sup> - دکتری تخصصی رشته حقوق کیفری و جرم شناسی از واحد علوم و تحقیقات تهران

<sup>2</sup> - کارشناس ارشد رشته ی حقوق بین الملل



#### مقدمه:

نقض تعهد بین المللی، گاه تنها تخلفی است که ضمانت اجرایی آن جبران خسارت است، اما گاهی تخلف از تعهد بین المللی شدیدتر از نقض ساده بوده و عمل حالت جرم بین المللی به خود می گیرد و بالتبع ضمانت اجرایی شدیدتر از نقض ساده را به دنبال دارد. بالاخره در مواقعی نقض تعهد بین المللی شدیدتر شده و به صورت جنایت بین المللی نمود پیدا می کند که در این حالت مقررات حقوق کیفری بین الملل دخالت کرده و در برخی مواقع جامعه ی بین المللی وارد عمل می شود و تعقیب، محاکمه و مجازات را رأساً بر عهده می گیرد. (آزمایش، مفهوم بی کیفری در حقوق بین الملل، صص ۱۸-۱۷)

از نیمه ی دوم قرن بیستم به این سو، جامعه ی بین المللی در واکنش به وقوع جنایات در عرصه ی بین المللی به شیوه های گوناگونی به مقابله پرداخته، که نمونه ی بارز آن تأسیس دادگاه های کیفری بین المللی در دو دهه ی اخیر بوده است. (رنجبریان، امیرحسین و خیابانی مهدیه، دادگاه ویژه سیرالئون؛ فرآیند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی کیفر ماندن، ص ۲) تشکیل یک دادگاه بین المللی دائمی که بتواند به تعقیب و مجازات جنایتکارانی که بدون هیچ گونه واهمه ای از محاکمه شدن در پیشگاه عدالت، مرتکب اعمالی هم چون نسل کشی، تجاوز، کشتار جمعی و جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، نقض گسترده ی حقوق بشر و... می شوند، بپردازد همواره آرزوی بشر بوده است. (حسینی، دیوان کیفری بین المللی و پیگرد رئیس جمهور سودان در رابطه با بحران دارفور، ص ۴۲). فلذا تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی تنها راه برای تضمین اعمال یک سیاست جنایی بین المللی هدف دار، عینی و بی طرفانه و در نتیجه تحقق عدالت کیفری می باشد. هر چند که دستیابی به اهداف آرمانی برای بشر کاری بس دشوار باشد. (Steiner & Alston, International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, p. 1080)

#### ۱- بی کیفری مجرمان و چالش های فراروی آن در قبل از تصویب اساسنامه رم

آمار جنایات و فقدان محاکمات نشانگر این است که اجرای عدالت کیفری بر جنایات شدید با مشکل مواجه است که این مشکل را «بی کیفری» می نامند. بی کیفری نتیجه ی تقابل حقوق و سیاست است، تقابلی که به پیروزی سیاست می انجامد و حقوق را به باد فراموشی می سپارد و پدیده ی شومی به نام «فرهنگ بی کیفری» را ایجاد می کند. البته در کنار این تقابل ناخوشایند جریان امید بخشی نیز در حال وقوع است و آن خیز برداشتن حقوق بین الملل برای مبارزه با بی کیفری است. جریانی که پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس محاکم نورمبرگ و توکیو نضج گرفت و پس از فروپاشی شوروی در دهه ی ۱۹۹۰ و تأسیس دادگاه های ویژه ی یوگسلاوی سابق و رواندا و متعاقباً تأسیس دیوان کیفری بین المللی جهش فوق العاده ای یافت. (بهاروند، پایان بی کیفری ناقضان حقوق بشر؛ یک چالش جهانی، صص ۹-۸)

#### ۱-۱- مفهوم بی کیفری

مصون ماندن شخص ناقض قوانین کیفری از تحمل ضمانت اجرایی پیش بینی شده برای آن عمل را بی کیفری می گویند. مهم ترین مصادیق بی کیفری در حقوق داخلی عبارتند از مصونیت های قانونی، امتیازاتی که در قبال قوانین و بر اساس قوانین برای افراد یا طبقات خاصی پیش بینی می شود، عفو خصوصی، عفو عمومی، موارد معافیت از مجازات، موارد تخفیف های غیرموجه در مجازات، اعطای اختیارات بیش از حد به قاضی برای

1-Impunity.

2- Cultor of Impunity.



رعایت تخفیف، مواردی که یک دولت توانایی قضایی تعقیب، محاکمه و مجازات موارد خاصی را ندارد. (آزمایش، پیشین، ص ۱۹)

## ۲-۱- چالش های فراروی بی کیفری مجرمان در آیین دادگاه های کیفری بین المللی

موقت

برپایی دادگاه های نورمبرگ و توکیو بعد از جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در تحول حقوق بین المللی کیفری به حساب می آید به نحوی که برای نخستین بار در تاریخ روابط بین المللی، دیوان بین المللی برای محاکمه جنایتکاران بین المللی تأسیس می شود. صرف نظر از تمامی نقطه نظرهای ارائه شده در خصوص این دادگاه ها، این نکته روشن شد که تشکیل چنین نهادی در صحنه ی بین المللی امکان پذیر بوده و تنها به تصمیم مشترک تمامی دولت ها به ویژه قدرت های بزرگ نیاز دارد. (جوانمرد، دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران، ص ۴) محاکمات نورمبرگ و توکیو اولین تلاش سازمان یافته برای اعمال و اجرای اصول حقوق بین الملل است و محاکماتی انقلابی تلقی می شوند. (Treaty of Versailles, the Columbia Encyclopedia...)

مشاهده ی جنایات صرب ها علیه مسلمانان و کروات ها نظام بین المللی را بر آن داشت تا به مقابله با جنایات و محاکمه ی عاملان آن اقدام نماید. در نتیجه ی این عزم بین المللی شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ قطعنامه ی شماره ی ۸۲۷ را که در واقع سند تأسیس دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق بود، تصویب کرد. (ذاکریان، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین الملل، ص ۲۴۵) نخستین گام برای تشکیل دادگاه کیفری بین المللی به سبک امروزی از سوی جامعه ی ملل در سال ۱۹۳۷ با تلاش برای تصویب معاهده ای به همین نام برداشته شد هر چند که هیچ دولتی آن را نپذیرفت. (جوانمرد، پیشین، ص ۷) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بیش از هر چیز یک معاهده ی چند جانبه ی بین المللی است، بدین سان که شماری از دولت ها با یکدیگر توافق کرده اند که دادگاهی بین المللی، مطابق با صلاحیت ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل شود و مرتکبان جنایات مذکور در اساسنامه به مجازات برسند. نکته ی قابل توجه این که کشور ایالات متحده ی آمریکا از ابتدا با وجود دیوان کیفری بین المللی مخالفت می کرد و این مخالفت ها سبب شد که در جریان کنفرانس رم اساسنامه ی دیوان با اجماع منعقد نشود و از طریق رأی گیری به تصویب برسد. پس از انعقاد اساسنامه ی دیوان، سرانجام دولت کلینتون در آخرین روز باقی مانده از امضای اساسنامه یعنی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ آن را امضاء نمود. پس از دولت دمکرات کلینتون و روی کار آمدن دولت جمهوری خواه جورج بوش مخالفت این کشور با دیوان شدت بیش تری به خود گرفت و دولت بوش امضای سند مؤسس دیوان توسط دولت سابق آمریکا را بی اثر اعلام نمود. علاوه بر این برای شناسایی مصونیت آمریکائیان در مقابل دیوان مبادرت به انعقاد موافقتنامه های دوجانبه با سایر کشورها با استناد به ماده ی ۹۸ اساسنامه نمود، هر چند بسیاری از کشورها به این رویه اعتراض داشتند.<sup>۴</sup> دولت های طرف قرارداد با آمریکا بر طبق موافقت نامه های دوجانبه متعهد می شوند که اتباع آمریکایی را به جای تحویل به دیوان کیفری بین المللی به آمریکا بفرستند و این عمل حتی مانع اعمال نظارت دیوان بر محاکمه ی این افراد خواهد شد. نکته ی در خور توجه این موافقت نامه این است که این مصونیت ها محدود به نظامیان آمریکایی نیست، بلکه شامل کلیه ی اتباع آمریکایی که در مأموریت رسمی

1- League of Nation.

<sup>۴</sup> - از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپایی که تصمیم گرفتند در اجلاس ۶ ژوئن ۲۰۰۳ از دیوان کیفری بین المللی حمایت کنند. (بیگ زاده، چالش های فراروی دیوان کیفری بین المللی، ص ۶)



در سرزمین دولت دیگری نیستند نیز می شود.<sup>۵</sup> (بیگ زاده، چالش های فراروی دیوان کیفری بین المللی، صص ۶-۷)

## ۲- پیشینه و ضرورت های تأسیس دادگاه کیفری بین المللی

دیوان کیفری بین المللی که شاید از زمان تأسیس سازمان ملل متحد تاکنون، مهم ترین نوآوری در حقوق بین الملل باشد، با اساسنامه ای که یکی از پیچیده ترین اسناد بین المللی است، به وجود آمد. (سادات میرمحمدی، تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بر جرم انگاری جنایات بین المللی در قوانین داخلی دولت ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن ها، ص ۵)

### ۲-۱- پیشینه شکل گیری دیوان

اندیشه ی تأسیس دیوان کیفری بین المللی به عنوان آرزوی دیرینه ی جامعه ی جهانی به جنگ جهانی اول بر می گردد که در آن زمان یکی از مؤسسان کمیته ی بین المللی صلیب سرخ به جرایم ناشی از جنگ فرانسه با پروس (آلمان)، تأسیس یک دیوان دائمی را پیشنهاد نمود. سرانجام این اندیشه در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ عملی شد و ۱۲۰ دولت در شهر رم پایتخت ایتالیا به اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی با ۱۲۸ ماده رأی مثبت دادند که از اول ژوئیه ۲۰۰۲ با کسب حد نصاب لازم، اجرایی شد. البته آئین دادرسی و ادله ی دیوان که شامل ۲۲۵ ماده می باشد علاوه بر اساسنامه مبنای کار دیوان کیفری بین المللی است. (بابایی، وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، ص ۳) دبیرکل سازمان

ملل این واقعه را هدیه ای از امید به نسلهای آینده و گامی بلند به سوی حقوق بشر جهانی و حاکمیت قانون توصیف کرد. (Eva La Haye, The jurisdiction of international criminal court, p.2)

دولت هایی که اساسنامه ی دیوان را تصویب کردند موافقت نمودند تا مرتکبان جنایات موضوع صلاحیت دیوان را بر اساس قوانین ملی شان تعقیب نمایند یا این که آن ها را برای محاکمه تسلیم دیوان کنند. (کریستین ئی، نگاهی اجمالی به دیوان کیفری بین المللی، صص ۱ و ۳)

نخستین پیشنهاد تأسیس دادگاه کیفری بین المللی دائمی در خلال تدوین کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ ارائه شد که در نهایت این کنوانسیون جامعه ی جهانی را به تأسیس چنین دیوانی در آینده دلخوش نمود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دنبال تصویب کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات نسل کشی، طی قطعنامه ای از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نمود تا مطالعاتی را در زمینه ی تأسیس یک نهاد بین المللی قضایی جهت پیگیری موضوع های کیفری انجام دهد. کمیسیون مزبور متعاقب انجام مطالعات، گزارشی را به مجمع عمومی ارائه داد و بر اساس این گزارش مجمع عمومی کمیته ی ویژه ای را در سال ۱۹۵۰ جهت تهیه ی پیش نویس اساسنامه ی یک دیوان کیفری دائمی معین نمود. با وجود آن که پیش نویس تهیه شده توسط این کمیته از سوی کمیته ی دیگری بازنگری شد ولی مجمع عمومی تصمیم گیری نهایی در این زمینه را تا ارائه ی تعریف تجاوز و تکمیل پیش نویس کد جرایم بین المللی به تعویق انداخت و در آن برهه ی زمانی به دلیل عدم حمایت لازم دولت ها از تلاش های مربوط به تشکیل دیوان کیفری بین المللی و متوقف شدن روند تدوین پیش نویس کد جرایم بین المللی، ایجاد و تأسیس دیوان کیفری بین المللی تا سال ۱۹۹۰ میلادی عملی نگردید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ مجدداً از کمیسیون حقوق بین الملل خواست تا مساله ی تشکیل یک محکمه ی کیفری بین المللی را بررسی نماید و با این کار ابتکار از سرگیری کار مربوط به تشکیل

<sup>۵</sup> - برای مطالعه ی بیش تر. ک: ماده ۹۸ اساسنامه دیوان. (شریعت باقری، اسناد دیوان کیفری بین المللی، ص ۱۶۲)



دیوان کیفری بین المللی را در دست گرفت. در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی در پی دریافت دهمین گزارش کمیسیون حقوق بین الملل، با تصویب قطعنامه ی ۴۷/۳۳ از این کمیسیون خواست اقدام لازم را جهت تهیه ی پیش نویس اساسنامه ی دیوان آغاز نماید و پیش نویس نهایی کمیسیون در سال ۱۹۹۴ ارائه شد. از آن جا که این پیش نویس با مقاومت هایی از سوی برخی از دولت ها مواجه شد کمیته ی ویژه ای از جهت بررسی نکته نظره های دولت ها توسط مجمع عمومی تشکیل شد. این کمیته در سال ۱۹۹۵ دو نشست برگزار نمود و نهایتاً گزارش خود را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم نمود. از سوی دیگر، در همین سال کمیته ی مقدماتی به منظور تهیه ی پیش نویس متن کنوانسیون جهت طرح در کنفرانس راجع به تأسیس دیوان کیفری بین المللی دائمی تشکیل شد که این کمیته از سال ۱۹۹۶ تا سال ۱۹۹۸ شش نشست برگزار نمود و با تدوین پیش نویس اساسنامه ی دیوان در آوریل ۱۹۹۸ به کار خود پایان داد. (دلخوش، مقابله با جرایم بین المللی؛ تعهد دولت ها به همکاری، صص ۲۷۴ - ۲۷۱)

## ۲-۲- ضرورت های تأسیس دیوان

از جمله ضرورت هایی که موجب تأسیس دیوان کیفری بین المللی گردید عبارتند از:

۱- ارتکاب وسیع جرایم بین المللی، بروز دو جنگ و هم چنین بعد از جنگ سرد، وجود منازعات مسلحانه ی غیر بین المللی که منجر به کشته و زخمی شدن میلیون ها انسان گردید از ضرورت های بسیار مهم برای ایجاد این دیوان بود.

۲- نظر به این که هر یک از مجرمان تابعیت دولت خاصی را دارا می باشند و این امکان وجود دارد که محاکم ملی، در تعقیب و مجازات مجرمان کوتاهی و قصور نمایند، وجود یک مرجع دایمی برای به کیفر رساندن این مجرمان لازم و ضروری بوده است و در این مورد تردیدی هم روا نیست. وانگهی هر چند هستند دولت هایی که توان و یا انگیزه ی کافی برای مقابله با جرایم سازمان یافته بین المللی را ندارند، اما دولت ها اغلب اراده ی سیاسی لازم برای سرکوبی جرایم بین المللی شهروندان خود را ندارند. به ویژه زمانی که این افراد در زمره ی مأموران رده بالای حکومت هستند و عملاً دولت ذریبط، خود مباشر یا معاون اعمال مجرمانه ی بین المللی به شمار می رود.

۳- بند ۱ ماده ی ۳۴ اساسنامه ی دیوان بین المللی دادگستری مقرر می دارد: فقط دولت ها می توانند به دیوان بین المللی دادگستری رجوع کنند. لذا به دلیل آن که دیوان بین المللی دادگستری تنها به اختلافات دولت ها و صدور رأی مشورتی با شرایط خاص می پردازد و دارای اختیارات محدودی در اساسنامه می باشد و هم چنین اشخاص به طور مستقیم حق مراجعه به دیوان را ندارند و یا توسط آن قابل تعقیب نیستند. بنابراین نوعی خلأ در وجود جرایم بین المللی ارتکاب یافته توسط افراد مشاهده می گردد که در این جا هم وجود دیوانی دائمی برای این منظور ضرورت می یابد.

## ۴- عدم کفایت محاکم اختصاصی بین المللی

بی شک ایجاد چنین دیوانی که به محاکمه مجرمان بین المللی خواهد پرداخت گامی مثبت و قابل توجه در زمینه ی مبارزه با بی کیفری است. دیوان می تواند از طرفی زمینه ی اصلی برای توسعه و رعایت حقوق بشر را فراهم آورد و از سویی دیگر به حفظ صلح و حمایت از امنیت بین المللی مساعدت نماید. مسلماً دیوان با بهره برداری از اصول کلی حقوق بین المللی می تواند با تصمیم های خود در آینده به شکل منبعی برای وضع عرف های بین المللی جدید حقوق بین الملل درآید. به یقین عملکرد مستقل و بی طرفانه و مبتنی بر عدالت و



اقتدار دیوان کیفری بین المللی موجبات اعتبار این نهاد بین المللی را به دنبال دارد. بنابراین دیوان هرگز نباید تحت تاثیر و یا قیمومت هیچ یک از کشورها و یا سازمان های بین المللی حتی شورای امنیت قرار گیرد. بدیهی است که یکی از راههای حفظ استقلال و بی طرفی دیوان عدم وابستگی مالی آن به یکی از قطب های اقتصادی می باشد. (جوانمرد، پیشین، ص ۸)

تشکیل این دادگاه ها و نوآوری های موجود در تشکیل هر دادگاه، نمایانگر خرد و اندیشه ی نوینی است که بر اساس آن اصول سنتی حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر جزء موانع اصلی برقراری حکومت جهانی صلح و عدالت به شمار نمی آید. (کسینجر، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، ص ۳۹۲)

### ۳- اهداف و صلاحیت های دادگاه کیفری بین المللی

بحث صلاحیت یکی از مهم ترین مباحث مطروحه در مورد اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی است. اهمیت این مساله تا جایی بود که در خلال کنفرانس رم از آن به «مساله ی مسئله ها» یاد شد. (Peter Kaul, Precondition to the Exercies of Jurisdiction in the Antonio Cassese, P. 584)

در ادامه بحث ضمن اشاره به فلسفه ی تشکیل و رسالت های دیوان، صلاحیت های آن را در حد ارتباط با موضوع بی کیفری مورد بحث قرار می دهیم.

#### ۳-۱- اهداف دیوان

با بررسی پرونده های مطروحه در دیوان، چهار هدف عمده ی ذیل را می توان برای دیوان ترسیم نمود:

#### الف) پایان دادن به نقض حقوق بشر دوستانه و افزایش احترام به حقوق بشر:

حس عدالت طلبی همواره انسان را به مقاومت در برابر پایمال شدن حقوق خود و دیگران وا می دارد. دیوان کیفری بین المللی بر آن است که در برابر پایمال شدن حقوق بشر دوستانه به اجرای عدالت بپردازد. دادستان دیوان در گزارش ۱۶ دسامبر ۲۰۰۶ خود ضمن احصاء موارد نقض گسترده ی حقوق بشر دوستانه و اعلام تداوم این فاجعه ی ناگوار، پایان دادن به این جنایات را یکی از اهداف دیوان معرفی می کند. (بهمنی قاجار، پیشین، ص ۱۲)

#### ب) مساعدت در ایجاد صلح، عدالت و امنیت جهانی:

تحقق عدالت و صلح و ایجاد جهانی امن و باثبات از برجسته ترین اهداف دیوان است که البته این نهاد بر پایه ی اهداف و اصول منشور ملل متحد پدیدار گشته است. پایان بخشیدن به بحران و ناامنی یکی از اهداف رسیدگی های دیوان در پرونده های اوگاندا و کنگو معرفی شده است که البته هدف دیوان صرفاً خاتمه دادن به بحران و ناامنی در محل وقوع جنایات نیست، بلکه می کوشد با رسیدگی به یک موضوع به استقرار صلح و امنیت در سراسر جهان کمک کند و با هشدار به کسانی که ممکن است در اندیشه ی ارتکاب جنایت بین المللی باشند از وقوع جنایات بین المللی جلوگیری کند. (همان، ص ۱۳)



## ج) پایان دادن به بی کیفری:

از میان برداشتن هرگونه مصونیت برای جنایتکاران بین المللی و پایان دادن به بی کیفری از متمایزترین اهداف دیوان است که هم در دیباچه ی اساسنامه و هم در مواد مختلف مربوط به اصول صلاحیتی دیوان خودنمایی می کند. ماده ی ۲۷ اساسنامه دیوان بر بی اعتباری هرگونه مصونیت درپیشگاه دیوان تاکید دارد. (شریعت باقری، پیشین، صص ۴۶-۴۷)

یکی از آرمان های دیوان در راستای تحقق عدالت کیفری این است که جرم بین المللی بی مجازات نماند و مجرم بین المللی نتواند از چنگال عدالت فرار کند، بلکه به سزای اعمال خویش برسد. در دیباچه ی اساسنامه ی دیوان آمده است که کشورهای عضو این اساسنامه... مصمم هستند که به مصونیت و بی مجازات ماندن مرتکبان شدیدترین جنایاتی که موجبات نگرانی جامعه ی بین المللی را فراهم می آورند، پایان داده و در نتیجه در پیشگیری از وقوع چنین جنایاتی مشارکت نمایند. (همان، ص ۱)

## ۲-۲- صلاحیت های دیوان

مطابق اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی، این دادگاه چنان چه از چهار لحاظ صلاحیت داشته باشد می تواند به جرم بین المللی رسیدگی کند که این چهار گونه صلاحیت عبارتند از: صلاحیت موضوعی، صلاحیت زمانی، صلاحیت مکانی و صلاحیت تکمیلی. (توحیدی، صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در نظم نوین جهانی، ص ۱۳۸) کلید درک صحیح این که اساسنامه رم در عمل چه گونه نقش خود را ایفا می کند، در صلاحیت زمانی آن نهفته است.

(Scheffer, How to turn the tide using the Rome statutes temporal jurisdiction, p.28)

اگر چه بند ۱ از ماده ی ۲۴ اساسنامه مقرر می دارد: هیچ کس به موجب این اساسنامه نسبت به عملی که قبل از لازم الاجراء شدن آن مرتکب شده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. اما این امر مانع از تعیین مسئولیت برای افراد به موجب سایر مقررات بین المللی نیست. بنابراین فردی ممکن است به موجب مقررات بین المللی حاکم در زمان ارتکاب جنایت، مجرم محسوب شود و این زمانی قابل تصور است که جنایاتی قبل از لازم الاجراء شدن اساسنامه رخ داده که به موجب مقررات حاکم آن زمان جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا نسل کشی باشند. در این صورت از نظر ماهوی، تعیین مسئولیت برای شخص مرتکب به موجب مقررات اساسنامه صورت نمی گیرد تا ماده ی ۲۴ مانع از این امر شود، بلکه این شخص براساس دیگر مقررات بین المللی حاکم در زمان وقوع جرم مسئول شناخته می شود. یعنی از نظر ماهوی می توان به استناد مقررات بین المللی حاکم در زمان وقوع جنایت مرتکب را مسئول دانسته و آن ها را از نظر شکل و مسایل مربوط به صلاحیت بر اساس مقررات اساسنامه در دیوان تحت تعقیب قرار داد. بنابراین هیچ یک از مواد ۲۲ و ۲۴ اساسنامه مانع از اعمال صلاحیت دیوان در مورد جنایات ارتکابی قبل از لازم الاجراء شدن اساسنامه نیستند. برای مثال صدام حسین و دیگر صاحب منصبان آن وقت در عراق، قبل از لازم الاجراء شدن اساسنامه، در این کشور و نیز در ایران و کویت مرتکب جنایات نسل کشی یا جنایات جنگی شده اند. اعمال ارتکابی از سوی آن ها در زمان وقوع مطابق کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ و کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۶ و قواعد عرفی حقوق بین الملل، جنایت بین المللی محسوب می شوند. حال اگر هر یک از دولت های عراق، کویت و ایران به عضویت اساسنامه در آیند، مقررات مواد ۲۲ و ۲۴ اساسنامه مانع از اعمال صلاحیت دیوان در مورد جنایات مورد بحث نخواهد بود. (طهماسبی، قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری، صص ۱۹-۱۷) چرا که ماده ی ۱۹



اساسنامه ی مقرر می دارد دیوان باید اطمینان حاصل کند که نسبت به موضوعی که به او عرضه شده است صلاحیت دارد. یعنی دیوان به شرطی می تواند نسبت به جرایم مندرج در اساسنامه اعمال صلاحیت کند که دولت محل وقوع جرم یا دولت متبوع متهم عضو اساسنامه باشند. البته ناگفته نماند در فرضی که موضوع از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع می شود، رضایت هیچ دولتی شرط اعمال صلاحیت دیوان نیست. بدین سان ملاحظه می گردد که از اصل عدم تأثیر معاهده نسبت به دولت‌های ثالث تا حدود زیادی در اساسنامه ی دیوان به نفع صلاحیت دیوان عدول شده است. (جوانمرد، پیشین، ص ۱۰) اساسنامه ی رم در مقابله با بی کیفری در بحث صلاحیت، تدبیر درخور توجهی اندیشیده که هر گاه یکی از دو دولت (دولت محل وقوع جرم و دولت متبوع متهم) با آن که عضو اساسنامه نیست رضایت خود به صلاحیت دیوان برای جنایت مورد نظر را به رئیس دفتر دادگاه اعلام دارد، دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. شورای امنیت نیز به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد می تواند وضعیتی را که یکی از دو دولت درگیر آن است به دیوان ارجاع نماید، در چنین حالتی دیوان همانند یک دادگاه خاص، مشابه دادگاه ویژه ی یوگسلاوی سابق یا دادگاه ویژه ی رواندا عمل خواهد نمود. (اردبیلی، حقوق بین الملل کیفری، صص ۴۱-۴۰) شروع به تحقیق بنا بر تقاضای شورای امنیت سازمان ملل متحد هنگامی صورت می گیرد که شورا براساس اختیارات خود در راستای فصل هفتم منشور ملل متحد وضعیت هایی را که متضمن جرایم بسیار جدی بوده و ارتکاب آن جرایم موجب یا تهدیدی علیه صلح باشد را به دیوان ارجاع دهد. (کاسسه، حقوق کیفری بین المللی، ص ۵۰۵) دیوان کیفری بین المللی می تواند به جرایم به وقوع پیوسته در قلمرو دولت هایی رسیدگی کند که به اساسنامه ی دیوان پیوسته باشند یا با صدور اعلامیه ای بر پایه ی بند ۳ ماده ی ۱۲ اساسنامه، صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به جنایتی ویژه که در قلمروشان رخ داده، پذیرا باشند. هم چنین دیوان می تواند به وضعیت هایی که از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع می شود رسیدگی کند، اگر چه در قلمرو دولت هایی باشند که به اساسنامه نیوسته اند. دیوان می تواند به جنایت هایی نیز که به دست اتباع دولت های عضو انجام شده یا جنایت های اتباع دولت هایی که با صدور اعلامیه ای صلاحیت دیوان را برای جنایت های خاص پذیرفته باشند رسیدگی کند. (آل حبیب، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۴۸)

اصل صلاحیت تکمیلی دیوان، انگیزه ای قوی برای دولت ها می باشد تا به جرم انگاری و تعقیب مجرمان جنایات موضوع صلاحیت دیوان بپردازند. بنابراین می توان تصویب اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی را نقطه عطفی در مقابله با بی کیفری مجرمان بین المللی در قوانین داخلی دولت ها تلقی نمود.

(Robert, Hakan, Darryl Robinson and Elizabeth Wilmschurst: An Introduction to International Criminal Law and Procedure, p.63)

بدین ترتیب عدم تمایل یا عدم توانایی دادگاه های ملی برای تحقیق و تعقیب چنین نقض هایی، مانع اعمال صلاحیت دیوان نمی شود و دیوان در راستای احراز صلاحیت خود اقدام های انجام گرفته توسط دولت ها را ارزیابی می کند. بنابراین می توان بیان داشت تکمیلی بودن صلاحیت دیوان ساز و کاری است که دولت ها را در ایفای مسئولیت اولیه شان ترغیب و آن ها را جهت تحقیق و تعقیب مرتکبان مهم ترین جنایات آماده می سازد. بنا به تصریح بندهای ۶ و ۱۵ مقدمه ی اساسنامه ی رم، مبارزه با بی کیفری بر عهده ی دولت ها بوده و دیوان کیفری بین المللی مکمل محاکم کیفری ملی است. بدین معنی که چنان چه سیستم قضایی ملی دارای عملکرد مناسبی در پیگرد مجرمان و مبارزه با جنایات باشد دلیلی برای اعمال صلاحیت دیوان وجود ندارد. با این حال ضرورت وجود دیوان غیر قابل انکار است. چرا که از طرفی پیش بینی می شود دولت ها در اعمال صلاحیت و تعقیب جنایات بین المللی که اغلب خودشان به نحوی در آن دخیل هستند تمایلی ندارند و از سوی دیگر دولت هایی که دارای تمایل و انگیزه ی کافی برای رسیدگی به جنایات مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین المللی





هستند ممکن است به دلیل مخاصمات و یا عوامل دیگر از انجام تحقیق و تعقیب ناتوان باشند. به هر حال این اصل، تضمینی بر این مهم است که مرتکبان جنایت نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به عنوان جنایات مشمول صلاحیت دیوان بی کیفر نمانند. (حسینی اکبرنژاد، صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری؛ پویایی نظام های قضایی ملی در مقابله با بی کیفری، صص ۳-۲)

بدین ترتیب برخلاف دادگاه های بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا که بر دادگاه های ملی تقدم داشتند، دیوان کیفری بین المللی مکمل دادگاه های ملی است و سیستم عدالت کیفری مفروض از سوی دیوان به شدت متکی بر رسیدگی توسط دادگاه های ملی است.

#### (Terracino, National Implementation of ICC Crimes, P.421)

درپیش نویسی اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی که توسط کمیته ی مقدماتی تهیه شده بود، جنایات متعددی مطرح شده بود که می توان آن ها را در دو گروه عمده تقسیم بندی نمود: الف-جنایاتی مانند نسل کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز که از آن ها با عنوان «جنایات بین المللی با ویژگی عرفی» یاد می شود. ب-جنایات بین المللی با ویژگی قراردادی؛ منظور همان جرایمی است که در معاهدات بین المللی به عنوان جنایات بین المللی لحاظ شده اند. مانند تروریسم، جنایات بر ضدکارکنان سازمان ملل متحد، قاچاق مواد مخدر و موادروان گردان. البته در نهایت کلیه ی جنایات بین المللی مندرج در معاهدات از صلاحیت دیوان حذف و فقط جنایات بین المللی مورد قبول در حقوق بین الملل عرفی باقی ماندند که در این میان نیز جنایت تجاوز موضوع مباحث اختلافی شدیدی بود که سرانجام با اصرار و تلاش کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در اساسنامه ی دیوان لحاظ گردید، اما رسیدگی به این جنایت منوط به ارائه ی تعریفی از آن توسط کمیسیون مقدماتی و تصویب از سوی کنفرانس تجدید نظر شده است. (بیگ زاده، بررسی جنایت نسل کشی و جنایات بر ضدبشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، صص ۲- ۱)

به هر حال ماده ی ۵ اساسنامه رم، تنها چهار جنایت را در حیطه ی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی قرار داده است که این جنایات عبارتند از نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز.<sup>۷</sup> (شریعت باقری، اسناد دیوان کیفری بین المللی، پیشین، ص ۵)

#### ۴- بی کیفری مجرمان و موانع آن برپایه اساسنامه رم و اقدامات عملی دادگاه کیفری

##### بین المللی

موانع امحای بی کیفری موانعی هستند که مانع و رادعی در راه به کیفر رساندن مجرمان بین المللی محسوب می شوند. در گذشته دلایل عملی از قبیل سخت یا غیر ممکن شدن ارائه ی ادله پس از سپری شدن زمانی از ارتکاب جرایم و فراموشی آن ها، اخلاقی (رسیدن به آشتی مجدد) و سیاسی (تهدید حاکمیت دولت با طرح مسئولیت کیفری نمایندگان آن ها) در اغلب موارد موانع مهمی بر سر راه محاکمه و مجازات مجرمان بین المللی محسوب می شدند که این دلایل در سیر تحول خود در چارچوب نظام های حقوقی داخلی و نظام حقوق بین المللی در قالب مصونیت، مرور زمان و عفو مطرح شدند که مصونیت در رابطه با جنایات بین المللی عمدتاً ریشه در حقوق بین الملل دارد و مرور زمان و عفو در حقوق داخلی منشأ دارند. به هر حال تحولات جامعه ی

<sup>۷</sup> مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه جنایات تعریف شده در ماده ۵ را با تفصیل بیش تری بررسی نموده اند. برای مطالعه بیش تر نگ: شریعت باقری، اسناد دیوان کیفری بین المللی، پیشین، صص ۲۳- ۶)



بین المللی و تنفر از جنایات بین المللی سبب شد تا این موانع نتوانند به طور مطلق سپری در برابر به کیفر رساندن مرتکبان جنایات بین المللی شوند بدون آن که کاملاً از میان برداشته شوند. (بیگ زاده، موانع امحای بی کیفری، صص ۲۶-۲۵) لذا نخست به بررسی موانع بی کیفری مجرمان بین المللی نظیر مرور زمان، مصونیت شخصی و عفو پرداخته و سپس تدابیر دادگاه کیفری بین المللی را در مقابله با این چالش در برخی از موارد به عنوان مطالعه ی موردی بیان می کنیم.

#### ۴-۱- بی کیفری مجرمان و موانع آن

طبق ماده ی ۱۶ اساسنامه ی رم، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند به بهانه ی حفظ صلح و امنیت بین المللی از تعقیب و تحقیق در خصوص یک جنایت بین المللی ممانعت به عمل آورد. در چنین حالتی پس از صدور قطعنامه ای مبنی بر درخواست تعلیق یا تحقیق از شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، شروع یا ادامه ی هیچ تحقیق یا تعقیبی به مدت ۱۲ ماه وجاهت و محمل قانونی ندارد و این درخواست به موجب همان شرایط توسط شورای امنیت قابل تجدیدنظر است. در دوازدهم جولای ۲۰۰۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطع نامه ی شماره ۱۴۲۲ را تصویب نمود که به موجب آن از اعمال صلاحیت دیوان در خصوص تعقیب و بازجویی نیروهای حافظ صلح متعلق به دولت های غیرعضو اساسنامه ی رم که در عملیات حفظ صلح در بوسنی و هرزگوین مشارکت کرده بودند به مدت یک سال ممانعت به عمل آورد. مضافاً این که پیش نویس اولیه ی این قطعنامه با هدف حمایت از سربازان آمریکایی تدارک دیده شد که در اثر انتقادات بین المللی، شورای امنیت قطعنامه را به گونه ای مصوب کرد که نه تنها سربازان آمریکایی بلکه نیروهای تمام کشورهای غیرعضو اساسنامه را که در عملیات حفظ صلح شرکت داشتند را نیز در بر گرفت. گفتنی است مطابق این قطعنامه شورای امنیت می تواند تقاضای تعویق را طبق همان شرایط از اول جولای هر سال به مدت ۱۲ ماه تمدید کند. (بابایی، پیشین، صص ۲۳-۲۲) با لحاظ ماده ی ۱۶ اساسنامه می توان بیان داشت که دیوان کیفری بین المللی تحت شمشیر داموکلس<sup>۸</sup> قرار دارد. چرا که در هر لحظه یک تصمیم سیاسی، یعنی تصمیم شورای امنیت می تواند مانعی در مسیر کار دیوان باشد.

(William, La Cour Penal Internationale, p. 93)

جنایات بین المللی اصول و ارزش های والای انسانی یعنی ارزش هایی را که لازمه ی بقا و تداوم و موجودیت صلح میان افراد بشر در جامعه ی بین المللی است را به نابودی می کشاند. بدین سان زندگی در جامعه ی بین المللی جز با همکاری دولت ها در عرصه ی مبارزه با پدیده های مجرمانه و مهار آن ها در سطح جهانی امکان پذیر نیست. (براتی، صلاحیت شورای امنیت درارتباط با دیوان کیفری بین المللی، صص ۱۰) منافع مشروع جامعه ی بین المللی در آن است که جنایات ناقضان حقوق بشر بی کیفر نماند و عواملی چون اعطای عفو و مصونیت، تعقیبات و محاکمات کیفری صوری و مغایر با اجرای عدالت و ناتوانی نظام های قضایی ملی تحت لوای قاعده ی حقوق جزا یعنی منع محاکمه ی مجدد به بی کیفری و عدم تعقیب جنایتکاران توسط یک مرجع ذیصلاح بین المللی منجر نگردد. کما این که کمیسیون حقوق بین الملل نیز در یکی از گزارش های خود اعلام داشت در مواردی که سیستم قضایی ملی به طور مستقل و بی طرف اقدام نکرده یا رسیدگی ها به قصد مصون نگه داشتن متهم از مسئولیت کیفری بین المللی بوده است، جامعه ی بین المللی نباید ملزم به شناسایی تصمیمی باشد که نتیجه دادرسی کیفری غیرقانونی و مغایر با معیارهای تعیین شده محسوب می شود.

(Report on the International Law Commissions 48<sup>th</sup> Seeion, p.67)

1-Damocles.



عفو یا مصونیت هایی که در اغلب کشورها اعمال می شود، اگر آن چنان باشد که مانع از تعقیب جنایتکاران بین المللی توسط دادگاه های ملی شود دیوان برای رسیدگی به فجایع غیر انسانی که وجدان بشریت را خدشه دار می کند، این اجازه را می دهد که دعوی مزبور را قابل پذیرش تلقی نماید. (حسینی اکبرنژاد، پیشین، ص ۱۶) ماده ی ۲۷ اساسنامه رم با پیش بینی عدم تاثیر مقام افراد در مسئولیت کیفری آنان قطعاً بر مصونیت های شخصی پذیرفته شده در حقوق داخلی با پشتوانه ی اصل صلاحیت تکمیلی تاثیر می گذارد. البته حقوق بین الملل عرفی در مورد مصونیت های شخصی چندان تحت تأثیر مقررات اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی قرار نگرفته است و استثناء بر مصونیت های شخصی فقط در مورد روابط بین دیوان و دولت های عضو خود به خود امکان پذیر است. در این مورد هم اگر دولت های عضو اساسنامه حاضر به همکاری با دیوان و لغو مصونیت های شخصی نشوند دیوان نمی تواند تا حل مساله از طریق مجمع عمومی دولت های عضو یا شورای امنیت در صورتی که پرونده از شورای امنیت ارجاع شده باشد به جنایات واقع در صلاحیت خود رسیدگی کند. چرا که محاکمه ی غیابی بر طبق ماده ی ۶۳ اساسنامه ی دیوان امکان پذیر نیست. (بیگ زاده، موانع امحای بی کیفری، پیشین، ص ۳۶) با این حال رویه ی بین المللی نشان می دهد که هنوز یک قاعده ی قطعی در خصوص نادیده انگاشتن مصونیت ها برای تحت پیگرد قرار دادن مرتکبان جنایات شدید در محاکم داخلی به ویژه در مورد روسای دولت ها وجود ندارد. اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی در خصوص عفو ساکت است و در مواردی که مسایلی نظیر صلح، آشتی و سازش ملی مطرح می شود ممکن است وجود قوانین عفو منجر به پدیده ی بی کیفری شود. سازمان ملل متحد در گذشته وجود عفو را در چارچوب مجموعه موافقت نامه های صلح می پذیرفت و حتی تشویق به این امر هم می نمود اما اخیراً عفو را در مورد جنایات بین المللی شدید غیر مشروع می داند و آن را نفی می کند و عدم پذیرش توافقی هایی را که حاوی عفو باشد، اعلام نموده است. در مجموع باید بیان داشت که پیگرد کیفری مرتکبان شدیدترین جنایات بین المللی غیر قابل اجتناب است، حتی در زمانی که صلح متزلزل بوده و مشکلات متعددی نیز وجود داشته باشد و در نهایت این که به نظر می رسد نوعی اعتقاد<sup>۱</sup> مبنی بر عدم پذیرش عفو برای شدیدترین جنایات بین المللی در جامعه ی بین المللی در حال شکل گیری است. (همان، صص ۵۳ - ۴۹)

وابستگی دیوان در احراز جرم تجاوز به احراز عمل تجاوز از سوی شورای امنیت، نه تنها آسیبی علیه استقلال قضایی دیوان محسوب می شود بلکه سبب می شود یکی از مهم ترین جنایات بین المللی از تعقیب باز ماند. از سوی دیگر، ارتکاب جنایات بین المللی از سوی نیروهایی که از جانب شورای امنیت اعمال زور مشروع می کنند و مخالفت دولت متبوع این نیروها در برابر تعقیب اتباعشان، می تواند روند تعقیب در دیوان را متوقف کند. (براتی، پیشین، ص ۲)

مبارزه با بی کیفری بر مسئولیت فردی در قبال جنایات بین المللی متمرکز است که حقوق بین الملل بشردوستانه، حقوق بین الملل کیفری و حقوق بین الملل بشر در توسعه و پشتیبانی این مبارزه مداوم نقش عمده ای ایفاء می نمایند. حقوق بین الملل علاوه بر این که در ایجاد اعتماد حقوقی در مبارزه با بی کیفری و تداوم این مبارزه نقش اساسی دارد در پشتیبانی و حمایت دولت هایی که با خلأ قانونی روبرو هستند و هم چنین در کمک به حکومت های انتقالی از خودکامگی به دموکراسی و رسیدگی به جرایم رژیم های گذشته نیز نقش مهمی بازی می کند.

(Naomi, Impunity and Human Rights In International Law and Practice, p.5)

۱ - Opinion Juris.



اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی در ماده ی ۲۹، به عدم سرایت مرور زمان نسبت به جرایم موضوع صلاحیت خود اشاره دارد که دامنه ی شمول این ماده از کنوانسیون ۱۹۶۸ سازمان ملل و ۱۹۷۴ شورای اروپا در باب عدم سرایت مرور زمان به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت وسیع تر است. چرا که علاوه بر این جنایات، جرم تجاوز را نیز در بر دارد. (اردبیلی، پیشین، ص ۳۸) البته ناگفته نماند که اساسنامه ی رم نمی تواند دولت های غیرعضو دیوان کیفری بین المللی را به رعایت قاعده ی عدم شمول مرور زمان در مورد جنایات ارتكابی واقع در حوزه ی صلاحیت خود نماید. مزید بر این، صلاحیت دیوان نسبت به جرایم ارتكابی پس از اجرایی شدن اساسنامه است و این محکمه نمی تواند صلاحیت خود را در مورد جنایاتی معمول دارد که قبل از لازم الاجراء شدن اساسنامه ی خود ارتكاب یافته اند و ممکن است مشمول مرور زمان شوند. واقعیت این است که متأسفانه قاعده ی عدم شمول مرور زمان در مورد کلیه ی جنایات بین المللی اعمال نمی شود. اعمال این قاعده به استثناء جنایات موضوع صلاحیت دیوان در خصوص سایر جنایات، به مقررات داخلی دولت ها بستگی دارد و همواره این امکان وجود دارد در مواقعی جنایات بین المللی طبق حقوق داخلی کشورها مشمول مرور زمان شوند. (بیگ زاده، موانع امحای بی کیفری، پیشین، ص ۴۸)

#### ۴-۲- مقابله دیوان با بی کیفری مجرمان؛ مطالعه موردی

در حال حاضر پرونده هایی که از قاره ی آفریقا در دیوان مطرح است عبارتند از: پرونده ی جمهوری دموکراتیک کنگو (طرح شده در ژانویه ۲۰۰۴ میلادی)، پرونده ی اوگاندا (طرح شده در فوریه ی ۲۰۰۴ میلادی)، پرونده ی جمهوری آفریقای مرکزی (طرح شده در ژانویه ی ۲۰۰۵)، پرونده ی دارفور سودان (طرح شده در فوریه ی ۲۰۰۵ میلادی). پرونده های اول، دوم و سوم توسط کشورهای عضو دیوان ارجاع شده و پرونده ی چهارم بر اساس قطعنامه ی ۱۵۹۳ در سال ۲۰۰۵ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان ارجاع شده است. (حسینی، پیشین، ص ۸) بدین ترتیب دیوان از آغاز کار خود تاکنون رسیدگی به این موضوع ها را در دستور کار خود قرار داده و در یک مورد با بازداشت متهم محاکمه ی وی را نیز آغاز کرده است که به ترتیب تاریخ ارجاع به عنوان مطالعه ی موردی به آن ها اشاره می نمایم.

#### پرونده اوگاندا

به قدرت رسیدن موسوینی<sup>۱</sup> در اوگاندا با واکنش ژوزف کنی<sup>۲</sup> بنیاد گرای مسیحی مواجه شد. کنی در سال ۱۹۹۲ گروه های پراکنده ی مسیحی را در یک سازمان سیاسی و نظامی برای مبارزه با دولت اوگاندا گرد آورد که ارتش مقاومت پروردگار<sup>۳</sup> نام گرفت. این گروه نظامی در شمال اوگاندا جنایت های بسیاری را مرتکب شد.

(International criminal Court, Background Information on Situation in Uganda)

دولت اوگاندا این وضعیت ناگوار را در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۳ برای رسیدگی قضایی و اجرای عدالت و ممانعت از بی کیفری رهبران این گروه شورشی به دیوان کیفری بین المللی ارجاع داد. دادستان دیوان پس از انجام تحقیقات لازم در اکتبر ۲۰۰۵ حکم بازداشت رهبران ارتش مقاومت پروردگار از جمله کنی و چهار تن از همدستانش را صادر کرد.

(International criminal Court, Facts And Procedure Regarding the Situation in Uganda)

<sup>1</sup>- Cyoweri Museveni.

<sup>2</sup>- Joseph Kony

<sup>3</sup>- Lords Resistance Army



در این زمان رئیس جمهور این کشور تصمیم گرفت از دادستان دیوان تقاضای تحقیق نماید. از آن جا که بسیاری از اعضای ارتش مقاومت توسط شورشیان ربوده شده و مجبور به اطاعت از اوامر فرماندهان می شدند، خود بزه دیده بودند. لذا برای آماده سازی زمینه ی بازگشت این گروه از افراد به جامعه ی اوگاندا، عفو عمومی توسط رئیس جمهور این کشور صادر و تصریح شد این عفو شامل فرماندهان ارتش مقاومت نمی شود. دادستان دیوان پس از بررسی و تجزیه و تحلیل های اولیه به این نتیجه رسید که برای شروع به تعقیب در ارتباط با جنایات ارتكابی در شمال اوگاندا مبنای معقولی وجود دارد و بر اساس ماده ی ۱۸ اساسنامه ی دیوان این موضوع را به کشورهای عضو اساسنامه و سایر کشورهایی که مد نظر او بودند اعلام نمود. (صابر، آئین دادرسی دیوان کیفری بین المللی، صص ۱۰۷-۱۰۶) دادستان این پرونده در ششم مه ۲۰۰۵ از شعبه ی مقدماتی درخواست نمود تا برای ۵ تن از فرماندهان ارتش پروردگار به اتهام ارتكاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت دستور بازداشت محرمانه صادر نماید که در ژوئیه ی ۲۰۰۵ شعبه ی مقدماتی با درخواست دادستان موافقت کرد و در ۹ سپتامبر ۲۰۰۵ دادستان از شعبه ی مقدماتی خواست حکم بازداشت آشکار آن ۵ فرمانده نیز صادر شود که در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۵ شعبه ی مقدماتی دستور بازداشت آشکار آنان را صادر کرد.

(International Criminal court, 14 Oct. 2005, Investigation in Northern Uganda)

### پرونده کنگو

ارجاع وضعیت توسط جمهوری کنگو به دیوان در سال ۲۰۰۴ برای رسیدگی به جنایات احتمالی ارتكاب یافته در آن سرزمین مورد دیگری از ارجاع توسط دولت های عضو اساسنامه ی رم است. این امر در پی هشدار دادستان مبنی بر قصد وی در تشکیل پرونده های تحقیقاتی و تقاضا از شعبه ی مقدماتی برای صدور اولین تحقیق در تاریخ دیوان پیرامون جنایات ارتكابی در ایتوری واقع در شرق کنگو در تابستان ۲۰۰۳ به عمل آمد. هم اکنون پس از ارجاع قضیه توسط کشور کنگو دادستان در حال تحقیق و جمع آوری ادله در خصوص جنایات مورد نظر است. دادستان گزارش های جنایات ارتكابی در سرزمین کنگو را از سازمان های دولتی و غیردولتی دریافت کرده بود. (صابر، پیشین، ص ۱۰۸) مشخصه ی بارز این پرونده این است که حکم بازداشت صادر شده توسط دیوان کیفری بین المللی به اجرا درآمده و متهم پرونده توماس لوبانگو دیلیو<sup>۱۳</sup> در کنگو بازداشت و در دادرسی حاضر شد. به کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در جنگ و سربازگیری از میان کودکان زیر ۱۵ سال یعنی نقض ماده ی ۵ اساسنامه ی دیوان درباره ی جنایات جنگی از جمله اتهامات لوبانگو دیلیو می باشد که رسیدگی به پرونده ی وی هم چنان ادامه دارد. (BBC News, Nov 2006, International criminal CourtIn First Case)

### پرونده دارفور سودان

در کشور سودان در سال ۲۰۰۳ ارتش آزادی بخش سودان و گروه جنبش عدالت و برابری، سلاح در دست گرفتند و تأسیسات دولتی را مورد حمله قرار دادند که منجر به کشته شدن بیش از ۳۰۰ هزار نفر و آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر شد. سازمان ملل متحد به منظور رسیدگی به پرونده ی دارفور سودان قبل از ارجاع موضوع به دیوان کیفری بین المللی، یک گروه حقیقت یاب تشکیل داد که به موجب تحقیقات انجام شده ۵۳ نفر به عنوان متهم شناسایی شدند. (بابایی، پیشین، صص ۱۵-۱۴) دادستان دیوان کیفری بین المللی اظهار نمود که تمامی دستگاه های دولتی سودان در جنایات جنگی علیه غیرنظامیان در دارفور مشارکت دارند. به همین خاطر دیوان کیفری بین المللی حکم جلب علی کوشیب از رهبران شبه نظامیان جنجویید و احمد هارون وزیر مشاور در امور

<sup>1</sup>- Thomas LubangaDylio.



بشردوستانه دولت سودان را به اتهام جنایات جنگی و نقض حقوق بشر در دارفور صادر کرد که دولت سودان از تحویل آنان به این دادگاه خودداری کرد. (همان، ص ۱۷) کشته شدن ۳۰۰۰ نفر آفریقایی سیاه پوست در چند ماه نخست درگیری ها ی دارفور، واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد را برانگیخت. رئیس شورای امنیت در آوریل ۲۰۰۴ در بیانیه ای نگرانی شورا را از بحران پدیده ی انسانی دارفور ابراز داشت و خواستار آتش بس فوری در آن منطقه شد که ادامه ی این وضعیت ناگوار منجر به صدور بیانیه ی دیگری از سوی شورای امنیت در مه ۲۰۰۴ شد. دولت سودان نیز در اثر فشارهای بین المللی در ۳ ژوئیه ی ۲۰۰۴ با سازمان ملل متحد یادداشت مشترکی را امضاء نمود و خود را به خلع سلاح شبه نظامیان عرب و نظارت بر رعایت حقوق بشر در دارفور متعهد کرد. شورای امنیت تداوم بحران در دارفور را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تشخیص داد و اقدام به صدور قطعنامه ی ۱۵۵۶ نمود و طی آن دولت سودان را مکلف کرد تا به عنوان یک دولت مسئول و پاسخگو به این بحران و فاجعه پایان دهد و با ناقضان حقوق بشر قاطعانه برخورد کند. (زمانی، پیشین، صص ۶۶-۶۴) این قطعنامه هم چنین بر اجرای مفاد یادداشت مشترک تأکید داشت و از دبیر کل سازمان ملل متحد می خواست بر نحوه ی اجرای قطعنامه نظارت کند. دبیرکل یک کمیسیون تحقیق بین المللی مرکب از ۵ کارشناس برجسته ی حقوق بشردوستانه و حقوق کیفری برای بررسی بحران دارفور تشکیل داد. این کمیسیون با ریاست آنتونیو کاسسه ملاقات های متعددی را با اشخاص و مقامات سودانی داشت و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ گزارش خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم نمود. این گزارش جنایات ارتكابی در دارفور را جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی تشخیص داد و به منظور حمایت از شهود و قربانیان، اسامی اشخاص مسئول این جنایات رانیز به صورت محرمانه به دبیر کل اعلام کرد (بابایی، پیشین، ص ۱۹) و از شورای امنیت خواست برای پایان دادن به خشونت و اجرای عدالت در مورد ناقضان حقوق بشر موضوع دارفور را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع دهد. موضوع دارفور در مارس ۲۰۰۵ با پذیرش توصیه ی کمیسیون تحقیق، از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین المللی ارجاع شد. (زمانی، پیشین، صص ۷۱-۷۰) بنابراین پس از این که تلاش های کوفی عنان برای پایان دادن به بحران دارفور ره به جایی نبرد پرونده ی دارفور به شورای امنیت ارجاع گردید و این شورا با تصویب چند قطعنامه علیه دولت سودان تلاش نمود تا این کشور را به منظور پایان دادن به بحران دارفور تحت فشار قرار دهند. سازمان های حقوق بشری نیز که فعالیت گسترده ای را در حمایت از حقوق مردم این منطقه داشتند همگام با هشدار وقوع بزرگ ترین فاجعه ی انسانی در جهان به جامعه بین المللی، شورای امنیت را نیز به سوی اتخاذ تدابیر و تصمیمات قاطعانه در این زمینه سوق دادند. بدین ترتیب به موجب قطعنامه ی ۱۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نخستین بار با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده ۱۳ اساسنامه ی دیوان، وضعیت دارفور را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع داد درحالی که سودان عضو اساسنامه ی دیوان نبود.

### پرونده آفریقای مرکزی

کشور جمهوری آفریقای مرکزی در ژانویه سال ۲۰۰۵ تقاضای رسیدگی به وضعیت جنایات داخل در صلاحیت دیوان را که در محدوده ی سرزمینی این کشور ارتکاب می یابند را نمود. (صابر، پیشین، ص ۱۰۹)

### نتیجه گیری و پیشنهادها:

واکنش دولت ها در عرصه ی داخلی نسبت به جرم و جنایت و مبارزه با مجرمان دارای پیشینه ی طولانی می باشد. با این وجود سابقه ی چنین واکنشی در جنایات بین المللی زیاد مشاهده نمی شود و البته ظرفیتی نیز وجود نداشت که در برابر جنایات اتفاق افتاده واکنش نشان دهد. اما انسان امروزی به این حقیقت نایل آمده که جنگ به هر وسیله ای مشروع و قانونی نیست. تا زمان جنگ جهانی اول که جنایات بسیار سهمگینی اتفاق افتاد،



هیچ دادگاهی وجود نداشت که در سطح بین المللی به آن ها رسیدگی نماید. بعد از جنگ جهانی اول، در عهدنامه ورسای برای مبارزه با جنایات بین المللی دولت ها از خود واکنش نشان دادند و بر آن شدند که جنایتکاران بین المللی را باید محاکمه نمایند و این اولین جرقه ای است که به طور عینی برای جنایات بین المللی از آن یاد می نمایم، اما محاکماتی انجام نگرفت. با وقوع جنگ جهانی دوم که جنایات بسیار شدیدتری به وقوع می پیوندد جامعه بین المللی بیدار می شود و به این نتیجه می رسد که مرتکبان جنایات بین المللی باید به محاکمه برسند. اگرچه تأسیس و فعالیت دادگاه های کیفری بین المللی توکیو، نورمبرگ، دیوان کیفری بین المللی ویژه ی یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین المللی ویژه ی رواندا در شکستن دیوار مصونیت مقامات سیاسی در برابر مسئولیت کیفری اقدام های خود و تا حدودی اجرای عدالت کیفری، دستآوردی بزرگ در نظام بین المللی محسوب می شود با این وجود جامعه ی جهانی تا سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین المللی هنوز از یک مرجع فراحاکمیتی کیفری که به طور دائمی در عرصه ی بین المللی فعالیت نماید، محروم بود. لذا تأسیس دیوان کیفری بین المللی دائمی با صلاحیت عام رسیدگی به جرایم یکی از دستاوردهای مهم حقوق کیفری بین الملل است. حقوق کیفری بین الملل مدرن درصدد آن است تا تضمین نماید که جرایم بدون تعقیب و مجرمان بی کیفر باقی نمانند. در عین احترام به منافع کشورهای ذینفع و نیز قربانیان و متهمان، جنایات بین المللی مشمول مرور زمان نگردد. چون دامنه عنصر مادی جنایات بین المللی گسترده تر از حقوق ملی درمورد جرایم عادی است، لذا مصونیت یا بی کیفری به هر شکل در مورد آن ها بایستی منتفی گردد.

در حال حاضر لزوم پایبندی به صلاحیت ذاتی و تکمیلی، دست دیوان را در زمینه ی اعمال صلاحیت کیفری بسته و دیوان با چالش های سیاسی نیز مواجه است. برخورد مخالفت آمیز آمریکا با دیوان و رفتار آن دولت سبب شده که دیوان نتواند قدرت اجرایی خود را نسبت به جنایت های احتمالی که با پشتیبانی قدرت های سیاسی جهان صورت می گیرد به درستی اعمال کند. پایان دادن به بی کیفری جنایتکاران در اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی در چارچوب منشور ملل متحد دنبال می شود. امری که دیپاچه ی اساسنامه ی رم نیز به صراحت آن را اعلام می دارد. پایان بی کیفری از نظر مقاصد و اهداف مهم اساسنامه ی دیوان، از طریق انجام تعقیبات موثر ملی محقق می شود و دیوان کیفری بین المللی عمدتاً نقش هماهنگ کننده را در این میان ایفا می کند. بنابراین تلاش دولت ها برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین المللی توسط دادگاه های ملی، می بایستی مورد حمایت قرار گیرد و لو این که فجیع ترین و بی رحمانه ترین جنایت بین المللی را ذیل عناوین جرایم عادی از جمله قتل، تجاوز، سوء قصد، سرقت و... قلمداد کنند. زیرا چنین اقدام هایی در جهت ایجاد ناامنی برای جنایتکاران و پیشگیری از بی کیفری موثر خواهد بود. به هر حال باید تضمین شود که جدی ترین جنایات بین المللی بدون مجازات باقی نمی ماند و در این میان مهم نیست متهم در چه محکمه ای محاکمه می شود، بلکه مهم این است که او بداند که محاکمه خواهد شد و بی کیفری به پایان یلدای خویش رسیده است.

هرچند وجود دادگاه کیفری بین المللی در عرصه ی جهانی تأثیر بسیار مثبتی در کاهش جنایات بین المللی و مجازات مؤثر مجرمان بین المللی و در نتیجه پیشگیری از وقوع جنایات خواهد داشت. لیکن در جهت تحقق متمایزترین هدف دیوان که مبارزه با بی کیفری است، انتظار می رفت صلاحیت دیوان شامل جنایاتی از قبیل تروریسم، جنایات سازمان یافته ی فراملی چون قاچاق انسان، قاچاق مواد مخدر و... نیز باشد تا مرتکبان چنین جنایاتی نیز بی کیفر نمانند. از این رو پیشنهاد می گردد در بازنگری اساسنامه ی رم این موارد مهم لحاظ گردد. در این میان، ایران نیز به عنوان وارث تمدن چندین هزار ساله باید رسالت خود را در آغاز هزاره ی سوم با تصویب اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی و به ویژه انطباق نظام حقوق داخلی خود با مفاد آن و حتی با جرم انگاری سایر جنایات بین المللی در قوانین خود که در اساسنامه ی رم هم پیش بینی نشده اند، یک بار دیگر به

بایش ملی حقوق بین الملل در آیین علوم روز



جامعه ی بین امللی اثبات کندکه جزء اولین زادگاه های حقوق بشر و احترام به حیثیت و منزلت انسان بوده و هم چنان از چنین جایگاه رفیعی برخوردار است.

Archive of SID





## منابع و مأخذ:

۱. آزمایش، علی: مفهوم بی کیفری در حقوق بین الملل، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷.
۲. آل حبیب، اسحاق: دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۷.
۳. اردبیلی، محمد علی: حقوق بین الملل کیفری، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، گزیده مقالات ۱، چاپ پنجم، تهران، میزان، ۱۳۸۸. ۴. بابایی، کوروش: وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، مجله تعالی حقوق، سال دوم، ش ۶، س ۱۳۸۹.
۵. براتی، شهرام: صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.
۶. بهاروند، محسن: پایان بی کیفری ناقضان حقوق بشر؛ یک چالش جهانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۷. بهمنی قاجار، محمد علی: کارکرد دیوان کیفری بین المللی، مجله سیاسی-اقتصادی، ش ۲۸۵، س ۱۳۹۰.
۸. بیگ زاده، ابراهیم: بررسی جنایت نسل کشی و جنایات برضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۲ - ۲۱، س ۱۳۷۶.
۹. چالش های فراروی دیوان کیفری بین المللی، فصل نامه سیاست خارجی، سال هفدهم، ش ۲، س ۱۳۸۲.
۱۰. موانع امحای بی کیفری، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، چاپ اول، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۷.
۱۱. توحیدی، احمد رضا: صلاحیت دیوان کیفری بین المللی در نظم نوین جهانی، دانشنامه حقوق و سیاست، ج ۱، ش ۴، س ۱۳۸۴.
۱۲. جوانمرد، بهروز: دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران، نشریه قضاوت، ش ۶۷، س ۱۳۸۹.
۱۳. حسینی اکبرنژاد، هاله: صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری؛ پویایی نظام های قضایی ملی در مقابله با بی کیفری، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، ش ۴۱، س ۱۳۸۸.
۱۴. دلخوش، علیرضا: مقابله با جرایم بین المللی؛ تعهد دولتها به همکاری، چاپ اول، تهران، شهردانش، ۱۳۹۰.
۱۵. ذاکریان، مهدی: مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین الملل، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
۱۶. رنجبریان، امیرحسین و خیابانی مهدیه: دادگاه ویژه سیرالئون؛ فرآیند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی کیفرماندن، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، دوره بیست و هفتم، ش ۴۳، س ۱۳۸۹.



۱۷. سادات میرمحمدی، معصومه: تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین المللی کیفری بر جرم انگاری جنایات بین المللی در قوانین داخلی دولتها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن ها، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، ش ۴۱، س ۱۳۸۸.

۱۸. شریعت باقری، محمدجواد: اسناد دیوان کیفری بین المللی، چاپ دوم، اصلاحات کنفرانس کامپالا، جنگل، ۱۳۹۰.

۱۹. طهماسبی، جواد: قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین المللی کیفری، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۷، س ۱۳۸۶.

۲۰. کاسسه، آنتونیو: حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، تهران، چاپ اول، جنگل، ۱۳۸۷.

۲۱. کریستین ئی، فلیپ: نگاهی اجمالی به دیوان کیفری بین المللی، ترجمه علی قاسمی، فصل نامه دیدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ش ۳۳-۳۲، س ۱۳۸۳.

۲۲. کسینجر، هنری: دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۱

23. BBC News, Nov 2006: International criminal Court In First Case, available at [www.news.bbc.co.uk](http://www.news.bbc.co.uk)

24. Eva La Haye: The jurisdiction of international criminal court, controversies over the preconditions for exercising its jurisdiction, Netherlands International Law Review, Vol xl, Issue 1, 1999.

25. Group of Experts, ICC Office of The Prosecutor, The Principle of Complementarity in Practice, Informal Export Paper, 2003, Available at [http://www.lcc\\_cpi.int](http://www.lcc_cpi.int)

/Library/Organs/otp/Complementarity.Pdf

26. International criminal Court: Background Information on Situation in Uganda, available at [www.lcc\\_cpi.int](http://www.lcc_cpi.int)

27. International criminal Court: Facts and Procedure Regarding the Situation in Uganda, 22 Dec 2006, available at [www.lcc\\_cpi.int](http://www.lcc_cpi.int)

28. International Criminal court, 14 Oct. 2005, Investigation in Northern Uganda, available at [www.lcc\\_cpi.int](http://www.lcc_cpi.int)

29. Naomi Roth\_Arriaza: Impunity and Human Rights In International Law and Practice, Oxford, Oxford University Press, 1995.

30. Non Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 1968 and Weiss, Times Limits for the Prosecution of Crimes Against International Law, 53, B.Y.I.L., 1982.



31. Peter Kaul, Hans :Precondition to the Exercies of Jurisdiction in the Antonio Cassese, the Rome Statute of the International Criminal Court a Commentary Oxford Universal Press, vol. 2, 2002.

32. Report on the International Law Commissions 48<sup>th</sup> Seeeion, 6 may to 26 July 1996, U.n.Doc.A/51/10, 1996.

33. Robert Cryer, Hakan Friman: Darryl Robinson and Elizabeth Wilmshurst: An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Cambridge University Press, 2007.

34. Scheffer ,David J. :How to turn the tide using the Rome statutes temporal jurisdiction, journal of International criminal justice 2, oxford universal press ,2004.

35. Steiner&Alston: International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals, Clarendon Press, 1996.

36. Treaty of Versailles, The Columbia Encyclopedia, sixth Edition, Columbia University Press, 2000.

37. Terracino, Julio Bacio: National Implementation of ICC Crimes, 5 Journal of International Criminal Justice 2007.

38. William Bourden: La Cour Penal Internationale, Ed Seuil, Paris, 2000.

//:39. [http www.ashti.nu](http://www.ashti.nu)

40. [http://www.lcc\\_cpi.Int](http://www.lcc_cpi.Int)

41. [http://www.lcc\\_cpi.Int/Library/Organs/otp/Complementarity.Pdf](http://www.lcc_cpi.Int/Library/Organs/otp/Complementarity.Pdf)

42. <http://www.news.bbc.co.uk>

Archive of SID